



وقتی می‌شنویم یا می‌خوانیم که در دوران گذشته، مردمی بوده‌اند که در میدانی می‌نشستند تا شاهد مبارزه نابرابر یک انسان با حیوانات درنده باشند و سرگرم شوند تعجب می‌کنیم. به‌ویژه، وقتی به این فکر می‌کنیم که آن انسان تقریباً هیچ شانس برای زنده ماندن نداشته است و برای زندگی‌اش می‌جنگیده تا آن جماعت سرگرم شوند.

وقتی می‌شنویم یا می‌خوانیم که در دوران گذشته، مردمی بوده‌اند که در میدانی می‌نشستند تا شاهد مبارزه نابرابر یک انسان با حیوانات درنده باشند و سرگرم شوند تعجب می‌کنیم. به‌ویژه، وقتی به این فکر می‌کنیم که آن انسان تقریباً هیچ شانس برای زنده ماندن نداشته است و برای زندگی‌اش می‌جنگیده تا آن جماعت سرگرم شوند. در این عصر که برپایی چنین رسم‌هایی را یک عقب‌ماندگی صرف می‌دانیم، حتی به ذهن‌مان هم نمی‌رسد در جایی چنین مراسمی برپا شود. اما برپا می‌شود و اتفاقاً بسیاری از همان افرادی که رسم و رسوم گلابیاتوری را نشانه عقب‌ماندگی می‌دانند و حتی چنین مراسمی را باور ندارند، روزها منتظر می‌مانند تا نظیر چنین صحنه‌هایی را بر صفحه تلویزیون ببینند یا از روی اینترنت دانلود کنند. این امر در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد و مختص یک کشور یا گروه خاص نیست! مدتی قبل شبکه دیسکاور، تبلیغات پرسر و صدایی به‌راه انداخت و از نمایش مستندی خبر داد که در آن قرار بود یک مار آناکوندا فردی را زنده زنده بخورد. در همان زمان، گروه‌های حافظ محیط زیست به مخالفت پرداختند و از این شبکه خواستند مستند *Eaten Alive* را پخش نکند و آن را نوعی حیوان‌آزاری می‌دانستند. اما دیسکاور توجهی نکرد و میلیون‌ها نفر چیزی حدود دو ساعت به تماشای مستندی نشستند که قرار بود در آن فردی خود را جلو یک آناکوندا بیاندازد تا خورده شود. تا همین جای ماجرا هم موارد قابل بحث زیاد است که مهم‌ترین آن‌ها این موضوع است؛ چرا در عصر نوینی که در آن زندگی می‌کنیم، در دوره‌ای که پیشرفت‌های زیادی در همه عرصه‌ها صورت گرفته، در دوره‌ای که دانش و آگاهی‌ها بالا رفته، هنوز عده‌ای پیدا می‌شوند که حاضرند چنین صحنه‌ای را تماشا کنند؟ آیا انسان‌ها خشن‌تر از قبل شده‌اند؟ آیا رسانه‌ها در خشن‌تر شدن مردم تأثیر داشته‌اند؟ از طرف دیگر، آیا برخلاف آنچه گمان می‌کردیم، میدان‌های گلابیاتوری برچیده نشده‌اند، بلکه در فرم و قالبی جدیدتر در اختیار مردم قرار گرفته‌اند؟ حالا تلویزیون و اینترنت و موبایل نقش همان میدان‌های گلابیاتوری سابق را بازی می‌کنند؟ در هر صورت، مستند به‌نمایش درآمد. مردی که قرار بود خورده شود، لباس مخصوصی پوشید و خود را جلو مار انداخت. مار هم به دورش پیچید و کارش را شروع کرد. اما در اواخر مستند، بیننده‌ها متوجه شدند که به‌نوعی فریب خورده‌اند؛ زیرا فردی که قرار بود خورده شود، بعد از مدتی اسیر ماندن در میان پیچ و تاب‌های مار، گروه را خبر کرد تا نجاتش دهند. آن فرد دستش آسیب دیده بود. در واقع، برخلاف آنچه پیش از پخش این مستند تبلیغ شده بود، آناکوندا هیچ کس را زنده نخورد و همین اعتراضاتی به دنبال داشت. چیزی نگذشت که شبکه‌های اجتماعی و به‌ویژه تویتر را سیل انتقادات به این مستند و شبکه دیسکاور فرا گرفت. توییت‌های بسیار جالبی فرستاده می‌شد که برخی حتی با طنزی تلخ به تمسخر این مستند پرداختند که در بسیاری از آن‌ها به نام مستند طعنه می‌زدند. کاری را که آناکوندا ناتمام گذاشت، تویتر به‌خوبی انجام داد، به طوری که در یکی از پیام‌ها به این موضوع اشاره شد: «لازم نیست توسط یک مار آناکوندا زنده خورده شوی، تویتر تو را زنده زنده خواهد خورد!»

برخی از توییت‌ها از این قرار بودند:

- «دیگران استخوان‌های خود را به خاطر فوتبال می‌شکنند، اما این فرد حاضر نشد دست‌اش برای علم بشکند.»
- «دو ساعت گذشت و آن‌ها به وعده خود عمل نکردند.»
- «من که این مستند را ندیدم، ولی مطمئن هستم خواندن توییت‌های اعتراضی هزار بار سرگرم‌کننده‌تر از خود مستند است.»
- «تنها چیزی که زنده زنده خورده شد، دو ساعت از وقت من بود.»

این عصبانیت مردم چیزی را مشخص کرد که شاید باورش سخت باشد. آن‌ها واقعاً منتظر بودند کسی زنده زنده توسط آناکوندا بلعیده شود. این موضوع خیلی جای بحث و موشکافی دارد که البته نظر کارشناسان را می‌طلبد. موضوع دوم که برای من جالب است، قدرت رسانه‌های اجتماعی و از جمله توییت در چنین مواردی است. توییت از جمله رسانه‌هایی است که در آن کاربر باید به خلاصه‌ترین شکل ممکن و در کلماتی محدود منظورش را برساند. جملاتی که در واکنش به این مستند دیسکاوری از سوی کاربران استفاده شده است، آن قدر جالب و موجز است که شاید از خود مستند جذاب‌تر شده است و به خوبی حس و حال ناراضی کاربران را نشان می‌دهد. از طرف دیگر، وقتی این مستند را می‌بینیم، بیش‌تر نگران آناکوندایی هستیم که بی‌خبر از همه جا براساس غریزه و به خیال این‌که طعمه‌ای یافته است، سعی در آماده کردن و بلعیدن آن دارد. این نکته مهم را باید یادآوری کرد که چنین ماری برای این‌که طعمه‌ای را بلعد، بخش زیادی از انرژی ذخیره خود را صرف می‌کند و وقتی طعمه‌ای نظیر آن‌چه در این مستند می‌بینیم (مردی که لباس محافظ پوشیده) به آن عرضه و زمانی که می‌خواهد آن را بلعد از او گرفته می‌شود، نوعی آزار دادن یک حیوان است. پس در واقع، بیننده‌های چنین مستندی نه تنها مشتاقانه در انتظار خورده شدن یک انسان هستند، بلکه خواسته یا ناخواسته در حال تماشای آزار رساندن به یک مار آناکوندا هم هستند. هرچند در این مستند کسی خورده نشد، اما بحث و جدلی که در رسانه‌های اجتماعی درباره این نوع تبلیغات، فریب بیننده‌ها و حتی مارهای آناکوندا به پا شد، جنبه‌های آموزنده زیادی برای همه داشت. مهم‌تر این‌که همه ما فهمیدیم وقتی پای خورده شدن یک نفر در میان باشد، کنجکاوتر از آن هستیم که دنبال قضیه را نگیریم.

تاریخ انتشار: